

نکات چند پیرامون اعلامیه "کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان" و رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع"

اعلامیه غازی امان الله خان تحت عنوان «کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان» (منتشره در جراید اردوی هند) ترجمه محمد ابراهیم صفا، که بار اول بعد از کودتای ثور خلقي-پرچمی ها در شماره های 14484 - 14491 مورخ 20 تا 28 جوزای 1357 روزنامه انیس بنشر-رسیده بود، بعد از باز تایپ و نشر-دوباره آن در "راه پرچم"، دو روز بعد (به تاریخ 30 ماه سپتمبر) به نوعی به سایت وزین افغان جرمن آنلاین نیز راه یافت، و به حیث یک سند مهم تاریخی مورد علاقه هموطنان ما قرار گرفته، سبب شد تا دانشمندان گرامی آقایان داکترسیدعبدالله کاظم، محترم کانديد اکادميسين سيستاني و برادر گرامی جناب احسان لمر نیز در رابطه تشریحات و مضامینی را بنشر-بسپارند.

از آنجایی که عده از خوانندگان محترم در مورد مرجع اصلی این اعلامیه و نشر-آن در جراید اردوی هند بریتانوی و یا اینکه ترجمه دوباره آن با دقت صورت گرفته باشد یا نه، شک و تردید نشان داده و معلومات بیشتر خواسته اند، امیدوارم نکات آتی در این رابطه تا اندازه روشنی انداخته بتواند.

منبع اصلی اعلامیه منتشره در هند

منبع اصلی اعلامیه غازی امان الله خان که تحت عنوان «کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان» توسط شادروان محمد ابراهیم صفا از نشرات اردو زبان هند بریتانوی دوباره به دری ترجمه شده است، توسط خود مترجم، جراید لسان اردوی هند بریتانوی ذکر شده است.

البته نشر-مطالب مربوط به افغانستان در جراید اردو زبان هند تحت سلطه انگلیس ها سابقه طولانی داشته است. روزنامه های زمیندار (از لاهور)، اخبار پیسه (از لاهور)، همد (از دهلی)، سیاست (از لاهور)، روزنامه عوام (از لاهور)، وجراید صداقت (از لاهور)، وکیل (از امرتسر)، مسلمان (از کلکته)، دستور (از شیرکلات روحیلخند)، مدینه (از بیجنور)، اقبال (از مراد آباد)، رهنما (از مراد آباد)، تحفه هند (از بیجنور)، نشریه دو هفتگی اهل سنت و جماعت (از امرتسر)، و رساله آفتاب (از راجپوتانه) از جمله جراید اردو زبانی بودند که حتی با جریده سراج الاخبار و نشرات دوره امانی مانند امان افغان، اتحاد مشرقی و معارف در افغانستان همکاری نزدیک داشتند. (از دوستان و دانشمندان گرامی و محترمم آقایان فضل الرحمن فاضل و پروفیسور خالق رشید خواهشمندم که اگر در ترجمه دری محل نشر-بعضی از این نشرات اشتباهی صورت گرفته باشد، آنرا اصلاح کنند).

یکی از علل مهم این همکاری، حمایت از پان اسلامیزم و جنبش خلافت مسلمانان هند بود که «از آغاز جنگ جهانی اول علایق مشترک مسلمانهای هندوستان، ملی گرایان افغانستان، و پان اسلامیت های ترک را به مقابل انگلیسها متحد ساخته بود. آگاهی مربوط به اخوت و وحدت اسلامی از طریق مقالات هیجان آور سراج الاخبار در اثنای جنگ گسترش مییافت، و نشرات دیگری از قبیل "الهلال" و بعد از آن "البلاغ" که در کلکته توسط ابولکلام آزاد منتشر-میشد، "زمیندار" که شدیداً علیه انگلیس بود و در لاهور توسط ظفرعلی خان منتشر-میشد، "کامرید" بزبان انگلیسی-و "همدرد" به زبان اردو که در دهلی توسط محمد علی بنشر-میرسید، و خاصتاً روزنامه فارسی زبان "حبل المتین" که

در کلکته هندوستان نشر- میشد، در گسترش احساسات اسلام گرائی عمومی (پان اسلامیزم) در افغانستان نیز کمک نمودند». (نوید، سنزل/ترجمه مجددی، نعیم-واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی (۱۳۸۸)، ص ۷۷) .

علاوه بر جراید ضد استعمار انگلیسی- زمیندار، کامرید، الهلال، همدرد، ترجمان و غیره که از نشرات سراج الاخبار استفاده میکردند، جریده المجاهد از چمرکنپ نیز مقالات و مطالب جریده "امان افغان" افغانستان را نقل نموده و از سیاست انگلیس ها در کشور های شرقی انتقاد مینمود. درین نشریه مسلمانان هند به سهمگیری در مبارزات مسلحانه ضد انگلیسی- دعوت میشدند. مقامات انگلیسی- از نشر- مقالات علمی و معلومات تازه درین جریده حیران بوده میخواستند بدانند که جریده المجاهد این همه معلومات دارای اهمیت بین المللی را از کجا بدست می آورد . (زمانی، عبدالرحمن - بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس (۲۰۱۰)، صفحات ۷۴-۷۵) .

روز نامه زمیندار لاهور خار چشم استعمار انگلیس

روز نامه زمیندار لاهور که شدیداً از سیاست انگلیس ها در افغانستان انتقاد مینمود، با نشرات بیشتر در مورد افغانستان خار چشم استعمار انگلیس تلقی شده و تحت مراقبت استخبارات هند بریتانوی قرار داشت. از راپور های متعدد آرشیف هند بریتانوی مانند تلگرام شماره ۷۴۹-پ مؤرخ ۲۳ دسمبر سال ۱۹۲۹، مکتوب شماره ۳۱۰-پ اول فبروری ۱۹۳۰، و مکتوب عاجل شماره ۴۹۲-پ مؤرخ ۱۴ فبروری ۱۹۳۰ هویداست که انگلیس ها گمان میکردند این نشرات زمیندار توسط عبدالحکیم خان، وکیل التجار افغانستان در پشاور، که حکومت محمد نادرشاه را برسمیت نمیشناخت، حمایت میشود. (اسناد آرشیف هند بریتانوی، خلاصه رویداد های افغانستان از اول جولای ۱۹۳۰ تا ۳۰ جون ۱۹۳۱ و L/PS/10/1301).

قابل یادآوریست که میرزا عبدالحکیم خان از مأمورین سابقه دار افغانستان بود که در عهد امیر عبدالرحمن خان و امیرحبیب الله خان مأموریت داشته و در دوران امان الله خان نخست بحیث رئیس اتحادیه تاجران در کابل و در سال ۱۹۲۶ بحیث وکیل التجار افغانی در پشاور مقرر شد. میرزا عبدالحکیم خان در دوران اغتشاش شینوار یکی از حامیان فعال امان الله خان بود. او حکومت های حبیب الله کلکانی و نادرشاه را به رسمیت نشناخت و با وجود فشار های وارده از طرف مقامات انگلیسی- از تسلیم نمودن امور وکالت التجاری به نمایندگان فرستاده شده آنها ابا ورزید. انگلیس ها در عهد نادرشاه میرزا عبدالحکیم خان را نخست در ماه فبروری ۱۹۳۰ در پشاور دستگیر کردند و بعد ها وی را به اتهام کمک در نشر- مقالات ضد رژیم نادری در جریده زمیندار یکجا با مخالفین دیگر نادرشاه مثل امین جان به برما تبعید کردند. متأسفانه محققین و مؤرخین افغان تا حال درباره این مبارز ضد استعمار انگلیس یا چیزی نوشته و یا من از آن اطلاعی ندارم.



مدیر مسئول روزنامه زمیندار، مولانا ظفرعلی خان نویسنده، شاعر، ژورنالیست و مبارز ضد انگلیس بود، که بعد از فوت پدرش مولوی سراج الدین مدیریت این روزنامه معروف را به عهده گرفت . روزنامه "زمیندار" نه تنها شوق و علاقه روزنامه خوانی را در میان مردم زیاد و وسیعتر کرده بود بلکه به آنها شعور سیاسی بخشیده بود. "زمیندار" اولین روزنامه مسلمانان بود که در سال ۱۹۱۳ میلادی به شکل يك اداره و

ارگان منظم با استخدام نویسنده، خبرنگار و گزارشگر کار را آغاز نمود. در بخشی از این روزنامه، ستونی با عنوان "افکار و حوادث" که حالت طنز گونه داشت به بیان موضوعات سیاسی روز با طنز و هجو می پرداخت. این روزنامه در میان مردم مسلمان از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار گردید و مسلمانان هند و حتی دیگر مردم با شوق وافر این روزنامه را می خریدند و همگی گردهم می آمدند و فرد باسوادی آن را برای جمع می خواند. صاحب‌دلان حساس با خواندن نظم های روح بخش این روزنامه شدیداً تحت تأثیر قرار می گرفتند و شعرهای سیاسی این روزنامه در میان مردم ورد زبان گردیده بود. مولانا ظفرعلی خان با مسافرت ها، سخنرانیها و از همه مهمتر، با مقالات خود در روزنامه زمیندار، خدمات شایانی را برای جنبش آزادی کرد. او همواره می گفت: "اگر نمیدانید که قلم چگونه چون شمشیر کار می کند، نزد من بیائید و این هنر را از من بیاموزید."

همین روزنامه معروف زمیندار بود که مطلب کوتاهی رادر رابطه با موجودیت و نقش جاسوس معروف انگلیس، کرنیل لارنس معروف به لارنس عربی، در سرحدات افغانستان و هند بریتانوی، از لندن ویکلی (هفته نامه لندن) نقل نموده نوشت که «برنامه اصلاحاتی شاه [امان الله غازی] بعد از مراجعتش از اروپا از نگاه علاقمندی سیاسی روسیه بلشویکی در شمال به سرزمینهای هند بریتانوی در جنوب از اهمیت بخصوصی بر خور دار میباشد. بنابراین کرنیل لارنس به آشوبی که خود در افغانستان بذر نموده در همانجا رسیدگی خواهد کرد».

تاریخ نشر این اعلامیه در روزنامه زمیندار لاهور

اینکه اعلامیه مورد بحث ما از خود غازی امان الله خان باشد هیچ شکی وجود ندارد. علاوه برین که تبصره دانشمند گرامی آقای فضل الرحمن فاضل و مضمون جدید نگاهی به رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع" توسط جناب داکتر صاحب کاظم میتواند بر همه شکها نقطهء پایان بگذارد، و منابع دیگر افغانی چون شادروان میرغلام محمد غبار و محمد علم فیض زاده نویسنده کتاب «جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه ها) و جرگه های نام نهاد تحت تسلط کمونست ها و روس ها» نیز در زمینه تذکراتی داده اند. مثلاً آقای محمد علم فیض زاده در صفحه ۱۴۷ کتابش بعد از ذکر اعلامیه لویه جرگه سال ۱۳۰۹ از مکتوب غازی امان الله خان نیز به جواب اتهامات وارده بر وی یادآوری نموده و مینویسد که «امان الله خان در سال ۱۹۳۰ م (۱۳۰۹ هـ ش) مکتوبی را در هند بچاپ رسانید و محرمانه آنرا در افغانستان توزیع کرد که در آن این تهمت که ثروت زیادی از افغانستان با خود برده و حسابات مخفی در بانک های اروپا باز کرده رد میکرد و نادرخان را به فریب کاری متهم میساخت چنانچه هنگام اغتشاس با او (امان الله خان) اطمینان داده بود که (ما روی عین مرام کار میکنیم تا او بتواند در احراز سلطنت با وی رقابت کند...)».

اسناد خارجی مانند اسناد استخبارات موجود در آرشیف هند بریتانوی هم به وضاحت تنها نشان میدهند که این اعلامیه از طرف خود غازی امان الله خان بنشر رسیده است، بلکه تاریخ دقیق نشر اعلامیه غازی امان الله خان در جریده زمیندار لاهور را نیز نشان میدهد.

بطور مثال در خلاصه رویداد های افغانستان از اول جولای ۱۹۳۰ تا ۳۰ جون ۱۹۳۱ در اسناد آرشیف هند بریتانوی از اقدامات و تلاش های حکومت هند بریتانوی یادآوری شده است که به تعقیب نشر نامه غازی امان الله خان به تاریخ پنجم ماه مارچ ۱۹۳۱ (۱۴ ماه حوت ۱۳۰۹) در جریده زمیندار منتشره لاهور صورت گرفته است. نائب السلطنه هند بریتانوی طی صدور یک فرمان مخصوص، انتشار چنین مواد را منع قرار داد، و با مقامات دولت افغانستان در جلوگیری از ورود کاپی های آن نشریه و هم پخش تبلیغات برای خنثی کردن آن همکاری نمود.

در تلگرام ۱۵ اپریل مکنوناچی سفیر انگلستان در کابل به آرتر هیندرسن Arthur Henderson در دفتر خارجه) که به جواب تلگرام شماره ۳۷ نوشته شده است، سفیر انگلستان در کابل از اقدامات غیر مترقبه غازی امان الله خان بیم داشته، خواهان مراقبت شدید وی بوده برای توجیه دلایل آتی را ذکر نموده مینویسد :

- وی قادر است از جان گذشته مثل [جنگ] سال ۱۹۱۹ [خطر بزرگ را قبول نموده] دست به قمار بزند.
- بنظر نادرشاه، اگر وی به سرحد هند برسد، چانسش بسیار هم بد نخواهد بود، رجوع شود به ارسالی شماره ۶۳ تایخ ۹ سپتمبر من .
- مثل سال ۱۹۱۹، در حالت فعلی هم خبررسانان برایش راجع به احساسات قبایل به نفع وی و تأثیرات پروپاگاند لاهور راپور های مبالغه آمیز میفرستند. [اشاره وی به نشر نامه غازی امان الله خان در جریده زمیندار لاهور است که قبلاً به آن اشاره شده است-زمانی].
- فقر شاید او را بیشتر به ماجراجویی آماده سازد، تا ازین حالت برآمده، و ممکن از منابع روسی برایش پول داده شود.
- اقدامات حکومت ایتالیا و علاقه به پنهانکاری خودش، مشکوک بنظر میرسند، خصوصاً با درنظرداشت راپور دریافت شده تاریخ ۱۲ ماه مارچ توسط حکومت هند که در آن در رابطه با امان الله توافقی سری بین ایتالیا و روسیه، و توطئه روسیه در ایالت سرحدی شمال غربی به نفع امان الله ذکر شده است.
- تلگرام مؤرخ ۴ اپریل کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، معتقد است که جنبش سرخپوشان عبدالغفار [خان] با قضیه امان الله ارتباط نزدیک دارد.
- این واقعیت که امان الله همین حالا با پاسپورت دارای نام مستعار سفر میکند، تبدیل ان و ناپدید شدنش را آسان میسازد.

در روشنی [نکات] فوق، من تدابیر احتیاطی ذیل را سفارش میکنم :

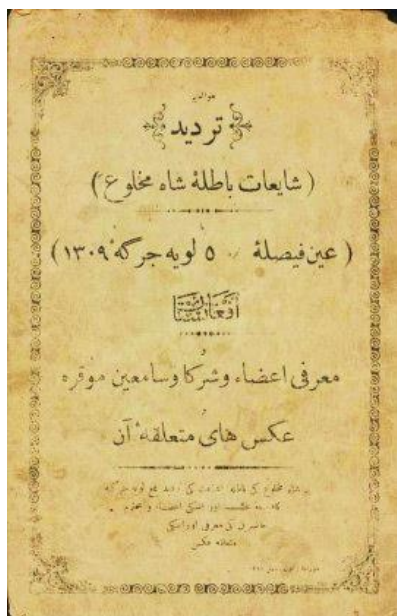
- I. برای جلوگیری از ناپدید شدنش، مراقبت شدید وی در حجاز
- II. و اگر وی ناپدید شود، بررسی کردن دقیق حجاجی که از حجاز بطرف شرق سفر میکنند.»

این سند و اسناد متعدد دیگر مثل چند سند محرمانه از آرشیف دفتر هند بریتانوی در رابطه با اقدامات انگلیس ها در دوران شرکت غازی امان الله خان در مراسم حج اولش که بین اندریو ریان Andrew Ryan سفیر بریتانیا در جدّه عربستان سعودی، پیرسی لوراین Percy Loraine کمشنر عالی بریتانیا در قاهره مصر، مکنوناچی Richard Roy Maconachie وزیر مختار انگلیس در کابل، رابرت گراهام Robert Graham سفیر انگلیس در ایتالیا، آرتر هیندرسن Arthur Henderson از دفتر خارجه، نائب السطنه هند بریتانوی در دهلی جدید و وزیر دولت برای امور هند بریتانوی ردوبدل شده اند، نه تنها عمق ترس و بیم مقامات انگلیسی- از فعالیت های غازی امان الله خان و بکار انداختن دستگاه وسیع و عریض آنها برای جلوگیری از برگشت وی به منطقه و افغانستان را نشان میدهد، بلکه چشم آنده از هموطنان مانرا نیز باز خواهد کرد که فکر میکنند قهرمان آزادی افغانستان، غازی امان الله خان، بعد از پناهندگی در ایتالیا قهرمانی و یاران جان بر کف خویش را فراموش کرد، در برابر استبداد دوره های بعدی سکوت کرد، در برابر کشتار هواداران و یارانش بی تفاوت ماند، و از مصاحبه با خبرنگاران فرار کرد. این اسناد گفتار بی بی هندیه دافغانستان، دختر غازی امان الله خان، را هم که میگوید، خانواده اش در تبعید با مشکلات شدید اقتصادی دچار بوده است، تأیید نموده، علت تقاضای عواید دارائی شخصی-ملکه ثریا را از رژیم بعدی روشن ساخته، و

متهم نمودن غازی امان الله خان به بزدلی و سازش با انگلیس ها را رد میکند. (برای معلومات بیشتر به صفحات ۴۹۲ تا ۵۰۳ کتاب بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس از همین قلم مراجعه کنید).

آیا ترجمه دوباره اعلامیه از اردو به دری توسط شادروان محمد ابراهیم صفا با دقت صورت گرفته است؟ قبلا از جزوه تبلیغاتی «تردید شایعات باطله شاه مخلوع» ذکر بعمل آمد. این جزوه یا رساله طوریکه از نامش پیداست، به جواب اعلامیه غازی امان الله خان توسط سردار فیض محمد خان ذکریا، عموزاده محمدنادرشاه نوشته شده است. شخصی که در زمان سلطنت غازی امان الله خان در مقام های بالا قرار داشت و شاه را بنام "امان الله کبیر" و سپس حبیب الله کلکانی را نیز به عین نام خطاب میکرد و به گفته داکتر صاحب کاظم بدون ذکر اسمش، در دوره سلطنت محمدنادرشاه واضح است که به حیث یکی از منسوبان خانواده سلطنتی در مقامهای وزارت و سفارت تا سالهای سال خدمت میکرد.

قابل یادآوریست که اسم این رساله عمداً طوری گذاشته شده که خواننده را فریب داده و گمان کند که گویا این رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع، عین فیصله نمره ۵ لویه جرگه ۱۳۰۹" (به زبان های فارسی در طرف راست و ترجمه آن به زبان اردو در سمت چپ) گویدار لویه جرگه سال ۱۳۰۹ عهد محمد نادرشاه، توسط وکلای اشتراک کننده به رد شایعات غازی امان الله خان انتشار یافته باشد. اما در حقیقت اینطور نیست. این رساله در چند قسمت تهیه شده است:



- قسمت اول: تردید شایعات باطله شاه مخلوع به قلم آقای فیض محمد خان ذکری
- قسمت دوم: عین فیصله ۵ لویه جرگه ۱۳۰۹ که عبارتست از فیصله پنجم لویه جرگه
- قسمت سوم: معرفی اعضاء و شرکا و سامعین و عکس های متعلقه آن.
- عکس العمل شدید حکومت محمد نادر شاه به مقابل اعلامیه غازی امان الله خان درین رساله تبلیغاتی «تردید شایعات باطله شاه مخلوع» خود نتنها میتواند دلیل مهم دیگری مبنی بر درست بودن اعلامیه غازی امان الله خان باشد، بلکه مقایسه نکات عمده اش به دو زبان دری و اردو بر ترجمه درست آن از لسان اردو به دری توسط شادروان محمد ابراهیم صفا صحه میگذارد. به چند نمونه آن توجه نموده و خود قضاوت کنید:

افغان انکار کردہ تواسستہ است امان اللہ خان در اعلان خود مینویسد کہ :	اور تود و خصال موجود ہیں کہ فی روشہ بھی ملان اللہ خان ڈاکٹر صاحب کے سر اور جان اور جان سے بھاری نہیں کہ سکھان اسغان اپنے اعلان میں قسط از ہے کہ :-
» فتوحات نادر شاہ ازین بود کہ در ظاہر بنام امان اللہ میرید کرد و ملت را طر فہارا امان اللہ بد اعلان کرده بود کہ برای قیام دوبارہ سلطنت امان اللہ جہد میکند، ازین دولت ہمراہ و ہمدست نادر شاہ شد و نادر شاہ تورا شکت دادہ موساخت »	» نادر شاہ کے سرخ و ظفر کا سپہ صرف موسو ہے کہ اس نے ملک کے میدان کو بھٹکا کہ وہ امان اللہ کی طرف رہا ظاہر اعلان کیا کہ وہ امان اللہ کے نام اور جہاد پر اسکی سلطنت اور اسکے تخت تاج کو دوبارہ بحال کرنے کیلئے جہد و جہد کر رہا۔ یہ سب جو ملت نادر شاہ ساتھ دیا اور نادر شاہ سے شکست دینے اور اسکے خلیے خاک کرنے میں کامیاب ہو سکا۔

امان اللہ میگوید :-	امان اللہ کہتا ہے :-
» بنابر اینکہ نادر شاہ وعدہ فرمود بود کہ نہ خود و نہ خاندان نادری را زود سلطنت دارند، ملت بنادر شاہ	» چونکہ نادر شاہ نے وعدہ کیا تھا کہ نہ وہ خود اور نہ ہی اسکا خاندان پادشاہی کی

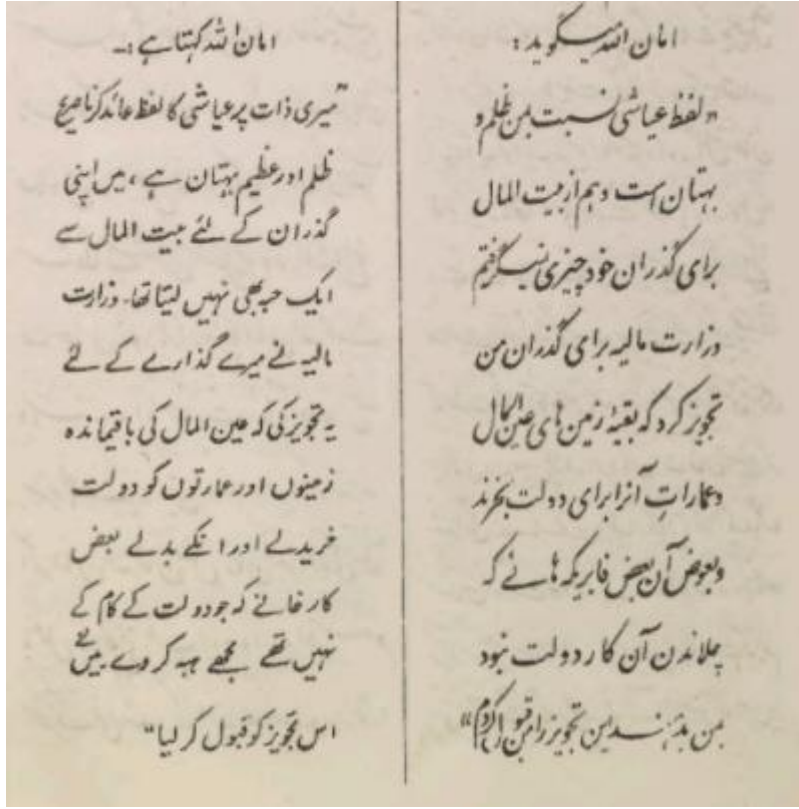
سلطنت دارند، ملت بنادر شاہ امداد کرد و بہ امر او باستقود ظل مجاہد شد بالاخر نادر شاہ وعدہ خود را ایفا نکرد »	خواہش رکھتا ہے تب ملت نے نادر شاہ کی امداد پر کربانہ صی اور اسکے حکم سے سستے کے ساتھ لڑائی شروع کر دی، لیکن آخر کار نادر شاہ نے اپنے وعدے کو وفا نہ کیا۔
---	---

امان اللہ کہتا ہے:- ”نادر شاہ حکم میں امن قائم نہیں کر سکتا کیونکہ اس نے ملت کے ساتھ وعدہ کیا تھا کہ میں امان اللہ کے لئے خدمت کر رہا ہوں“	امان اللہ میگوید: ”نادر شاہ امنیت را قائم کرده نمیتواند، چرا که بملت وعدہ داده بود کہ برای امان اللہ خدمت می کند؟“
--	--

امان اللہ کہتا ہے:- ”نادر شاہ نے بڑے بڑے جلیل القدر عہدوں پر اپنے بھائیوں اور اسے اقربا کو مقرر کر رکھا ہے اور ملت کے دوسرے افسدہ او کے لئے چراغی گری کے سوا کوئی بڑا منصب باقی نہیں رہا“	امان اللہ میگوید: ”نادر شاہ تمام ناموریت دارا بہ برادران و اقرباے خود کرده است و دیگران هیچ یک منصب عالی نماندہ بجز چراغی گری“
---	--

امان اللہ کہتا ہے:- ”میں نے علمائی نسبت کبھی کبھی نہیں کہا لیکن علمای سؤ کے تھے بھی بدگوئی نہیں کی۔ صرف ان ملاؤں کو برا کہا ہے جنہوں نے شکی کی پیروی کے ٹھونکی اور مجھ کو کافر کہا“	امان اللہ میگوید: ”من علما را هیچ گفتم ام حتی در حق علمای سؤ ہم بدگوئی نکردم صرف ملائیکہ سفور اتقویت و مرا کافر گفتم اند بدگفتہ ام“
---	---

امان اللہ کہتا ہے:- ”میں قلعہ قاضی کے حضرت سہاب شاہ آقا کا مرید تھا“	امان اللہ میگوید: ”من مرید حضرت سہاب شاہ آقا قلعہ قاضی بودم“
--	--



(پایان).